



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۰۲-۱۸۷

مقاله پژوهشی

بررسی بازنمایی ارزش‌های انقلاب اسلامی در سیاست‌های کلان کشور

صفیه سادات هاشمی^۱

دکتری علوم سیاسی گرایش سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳)

چکیده

سرچشمه ارزش‌های انقلاب اسلامی، دین مبین اسلام است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌های جامعه نیز دگرگون شد و تعلیم و تربیت الهی و توجه به معنویات و فضائل انسانی، جایگاهی ارزشمند یافت. در میان این ارزش‌ها، مهم‌ترین اصلی که مبانی اسلام و معارف شیعی بر آن تأکید فراوان کرده، «عدالت» به معنای وسیع است. این پژوهش با تمرکز بر ارزش «عدالت»، در صدد آن است که بازنمایی آن را در سیاستگذاری‌های کلان ملی مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور، مجموعه سیاست‌های کلی نظام به عنوان عالیترین سطح سیاست‌های کلان در جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید و به بررسی میزان و چگونگی کاربست مفهوم عدالت در این سیاست‌ها پرداخته شد.

واژگان کلیدی: ارزش، انقلاب اسلامی، عدالت، سیاست‌های کلان، سیاست‌های کلی نظام، ایران.

مقدمه

نظام های ارزشی و انقلاب اسلامی

«ارزش عبارت از اندیشه‌ها و تصورات است از آنچه یک فرهنگ خاص به آنها به عنوان خوب یا بد، متمایل یا غیر متمایل است» (محسنیان‌زاد، ۱۳۷۵: ص ۴). این تعریف نشانگر ارتباط بین ارزش‌ها و فرهنگ می‌باشد. با مروری بر تعریف‌های فراوانی که از «فرهنگ» شده است درمی‌یابیم که نظام‌های ارزشی، عنصری مهم و اساسی از فرهنگ شمرده می‌شود (پهلوان، ۱۳۸۰: ص ۱۶). همین جایگاه ارزش‌ها در زندگی انسان رکن اساسی انسانیت و وجه اصلی تمایز نوع بشر از دیگر موجودات است. امتیاز اصلی انسان‌ها «فرهنگی بودن» آنها است (کینگ، ۱۳۵۵: ۵۴). سرچشمه ارزش‌های انقلاب اسلامی، دین مبین اسلام است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌های جامعه نیز دگرگون شد و تعلیم و تربیت الهی و توجه به معنویات و فضائل انسانی، جایگاهی ارزش‌مند یافت. هدف انقلاب اسلامی تلاش برای دگرگونی ارزش‌ها به سوی نظام اخلاقی بوده است. یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ و تداوم انقلاب و دورماندن از رکود این حرکت اجتماعی و فرهنگی، فهم و درک عمیق ارزش‌ها، بنیادهای انقلاب و انتقال آن به نسل‌های آینده است. همچنین برای بقای جامعه و بروز رفتارهای انسانی نیاز به اقامه ارزش‌ها در جامعه است؛ زیرا بدون انطباق رفتارها با ارزش‌ها، جامعه قدرت ادامه حیات ندارد؛ قوام هر جامعه‌ای به ارزش‌های آن جامعه بستگی دارد. نادیده گرفتن ارزش‌ها، پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت، به ویژه وقتی این ارزش‌ها الهی باشد که در این صورت، با نادیده گرفتن آن، نه تنها امنیت مادی، بلکه امکان بروز رفتار معنوی از میان می‌رود و در نتیجه ظهور کمالات انسانی نیز به خطر می‌افتد. انقلاب ایران نیز ارزش‌های اصیلی است که مبتنی بر آن است و دوام و قوام آن وابسته به این ارزش‌ها می‌باشد، لذا این یک فرض و وظیفه است که در راستای شناخت ارزش‌های انقلاب اسلامی و معرفی و بسط آنها در جامعه به ویژه میان نسل جوان وظیفه‌ای واجب است. در این راه باید از ابزارهای مناسب و با کارایی بالا، بهره گرفت و از امکانات موجود بیشترین استفاده را کرد (عربی‌فر، ۱۳۹۹). انقلاب اسلامی ایران، برخاسته از جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی بود و همه کسانی که به تحلیل و نظریه‌پردازی درباره این انقلاب پرداخته‌اند، بر این نکته تأکید دارند. ماهیت «اسلامی» انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، بدین معنی است که اهداف و آرمان‌های انقلاب، همان است که در «اسلام» مطرح شده است. علت تأکید امام خمینی بر «جمهوری اسلامی» - بدون یک کلمه زیاد یا کم - در همین مطلب نهفته است که در دیدگاه ایشان ملت ایران با انقلاب اسلامی، هدفی جز استقرار اهداف و ارزش‌های اسلام نداشتند. شهید مطهری، ماهیت اسلامی انقلاب را این‌گونه تعریف می‌کند: «طرد همه ارزش‌های غیر اسلامی و تکیه بر ارزش‌های مستقل اسلامی» (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۸).

عدالت به مثابه ارزش بنیادین انقلاب اسلامی

در منطق اسلام، نظامی تأیید می‌شود که حکومت، حاکمیت و حاکمانش، همه بر محور ویژگی‌ها، صلاحیت‌ها و ارزش‌های تعریف‌شده در نصوص دینی، در حرکت باشند. اصولاً دوام هر ملت به ارزش‌های حاکم بر جامعه‌اش بستگی دارد. این ارزش‌ها و ویژگی‌ها، قواعد و احکامی هستند که زندگی اجتماعی و حیات فردی انسان‌ها را نظم بخشیده‌اند و با حیات و اصلاح امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پیوند مستقیم دارند؛ زیرا ارزش‌ها در چهره قوانین و حاکمیت جامعه متجلی می‌شوند و هر ملت در پناه آن به ترقی و شکوفایی نائل می‌شود؛ در میان این ارزش‌ها، مهم‌ترین اصلی که مبانی اسلام و معارف شیعی بر آن تأکید فراوان کرده، «عدالت» به معنای وسیعش است؛ در واقع، از طرفی حکومت، یکی از ضرورت‌های مهم حیات اجتماعی آدمی است که بدون آن امکان زندگی وجود ندارد و از دیگر سو، صلاحیت «حکومت صالح»، زمانی که بر مدار عدالت نچرخد، محال است حفظ شود. امام خمینی (ره) مهم‌ترین انگیزه تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر(ص) را در بسط عدالت اجتماعی دانسته و آن را شرط اصلی دستیابی به صلح، امنیت، رفاه، استقلال و مساوات معرفی کرده است. عدالت تعادل‌بخش همه احکام، مصالح و فضائلی است که حکومت اسلامی، اسلامیت خود را بدون آن از دست می‌دهد. اساساً شاخص‌ترین راه شناخت حکومت دینی، استواری آن بر مبنای عدالت است و این اصل مقیاسی است برای دین و حکومت دینی (فخر زارع، ۱۳۸۸). مقام معظم رهبری در اهمیت عدالت می‌گویند: «انقلاب برای این است که عدالت برقرار شود. البته این نکته را به شما عرض کنم که اگر در جامعه‌ای عدالت باشد، یعنی قانون، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ اجرا، عادلانه و نظر به آحاد ملت، نظر عادلانه باشد، تلاش اجتماعی و اقدام سازنده اقتصادی هم در آن جامعه بهتر خواهد شد و ثروت هم بیشتر به آن جامعه رو خواهد آورد. اما اصل قضیه، عدالت است و ما دنبال عدالتیم. من این را صریحاً عرض می‌کنم که در جمهوری اسلامی، سیاست‌ها براساس عدالت تنظیم می‌شود. از ابتدای انقلاب همین بوده است و تا همیشه نیز همین خواهد بود. هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است... هدف ما، استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه کارها برای اقامه عدل، ارزش پیدا میکنند. در جامعه نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است. البته عدالت، همه جا به معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده‌اندیشان و آدم‌های کم‌عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند. خیر! یکی کار بیشتری میکند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی برطبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هرکسی را به او دادن. این معنای عدالت است و برای جامعه لازم است. هدف این است که عدالت حاکم شود. آن وقت اگر جامعه ثروتمند هم بشود، این ثروت درست تقسیم

خواهد شد. مقصود حرکت اسلامی همین است» (خامنه‌ای. ۱۳۷۱). رژیم طاغوت و رژیم‌های قبل از آن در ایران، مردمی نبودند. مردم هیچ‌کاره بودند. مردم در اداره و تعیین حکومت، هیچ‌کاره محض بودند. مردم این را نمی‌پسندیدند. مردم می‌خواستند که حکومت متعلق به آن‌ها باشد؛ برخاسته از آن‌ها باشد؛ رأی آن‌ها در آن اثر داشته باشد (خامنه‌ای. ۱۳۹۹). رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید دارند: «اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام - تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند. هدف پیامبران، اقامه قسط است: «لیقوم الناس بالقسط». اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند. البته، اقامه قسط یک منزل در راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آن‌ها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر (عج) در آخر زمان هم باز همین عدل است» (خامنه‌ای. ۱۳۶۸). شهید مطهری عدالت را در صدر تمامی ارزش‌های اخلاقی و به مثابه معیاری برای سنجش و ارزیابی دیگر ارزش‌ها مطرح می‌سازد: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است، که باید دید چه چیز بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است، دین می‌گوید. این معنا مقیاس بودن عدالت است برای دین. پس باید بحث کرد که آیا دین مقیاس عدالت است یا عدالت مقیاس دین. مقدسی اقتضاء می‌کند که بگوییم دین مقیاس عدالت است، اما حقیقت این طور نیست. این نظیر آن چیزی است که در باب حسن و قبح عقلی، میان متکلمین رایج شد و شیعه و معتزله عدلیه شدند؛ یعنی عدل را مقیاس دین شمردند، نه دین را مقیاس عدل. به همین دلیل، عقل یکی از ادله شرعیه قرار گرفت» (مطهری. ۱۴۰۳ ه. ق. ۱۴-۱۵). یکی از حوزه‌های حیاتی تحقق عدالت، عدالت در عرصه اقتصاد است. جریان عمده و اصلی در درون سنت لیبرالیسم مخالف هرگونه مدلی از عدالت توزیعی است و معتقد است که عدالت اجتماعی در قالب حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و جبران نتایج منفی بازار آزاد برای افراد فقیر و ضعیف و شکست‌خورده در رقابت اقتصادی هیچ مبنا و وجهی ندارد. عمده‌ی استدلال آنان این است که به عده‌ای که در بازار آزاد به ثروت و موفقیت نمی‌رسند و با فقر و ناکامی اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، ظلم و بی‌عدالتی واقع نشده است، زیرا ظلم و بی‌عدالتی در جایی است که فرد یا گروهی براساس تصمیم و نقشه قبلی به طور عامدانه موجبات فقر و ناتوانی و شکست کسی را فراهم آورده باشند اما در بازار آزاد سرمایه نظیر یک مسابقه ورزشی در جریان رقابت عده‌ای به موفقیت و پیروزی می‌رسند و عده‌ای شکست می‌خورند و مسئولیت این عدم موفقیت و شکست برعهده کسی جز خود آنان نیست. بنابراین نه دولت و نه پیروزشدگان در قبال جبران ضعف و شکست آنان مسئولیتی ندارند و عدالت، وظیفه‌ای را در حمایت و جبران نقص آنان متوجه دولت نمی‌نماید. خداوند قیام مردم برای تحقق قسط و عدالت را فلسفه ارسال رسل معرفی کرده است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»

(به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به قسط برخیزند). می‌توان از عدالت به عنوان یکی از مهمترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی یاد کرد، چرا که مساله تحقق عدالت یک مفهومی انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه مقوله‌ای «معطوف به عمل» تعریف می‌شود و برای آن بی‌شک وجود «قدرت فائقه» الزامی است و بدون بدست گیری قدرت سیاسی امکان تحقق آن وجود ندارد.... و انزلنا الحديد فيه بأس شديد. امام خمینی تلقی‌های گوناگونی از عدالت دارد و همین برداشت‌ها، نشانه‌ای بر تک ساحتی نبودن عدالت و حضور آن در عرصه‌های گوناگون جامعه، از نظر ایشان است. مکتوبات امام خمینی، این واقعیت را به تصویر می‌کشند که ایشان، مفهوم عدالت را در سه سطح: خرد، متوسط و کلان در نظر داشته و بر این امر تأکید کرده‌اند که نقطه شروع عدالت در عرصه انسانی، از خود انسان است. در مرحله بعد، افراد دیگر و گروه‌ها و سپس کل جامعه و در نهایت هم در میان ملل و جوامع مختلف مطرح می‌گردد. امام خمینی در خصوص عدالت بر چند قلمرو تأکید بیشتری نموده‌اند: عرصه سیاسی، عرصه قانونی و حقوقی، عرصه اقتصادی و عرصه اجتماعی. به عنوان مثال، در عرصه اجتماعی، گاه عدالت به معنای قائل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۲). «باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی السواء هستند با هم» ((امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۶۱). یا در عرصه اقتصادی بر لزوم تبیین جهت گیری اقتصادی اسلام به سه شاخص مهم یعنی حفظ منافع محرومین، گسترش مشارکت عمومی در ثروت‌های جامعه و مبارزه با زر اندوزی تأکید می‌کند و این نکته را بارها تذکر می‌دهد: اسلام تعدیل می‌خواهد؛ نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه آن طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد... و یکی شب برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۷۰). در جمهوری اسلامی برای فقرا، فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵). شهید صدر، عدالت اجتماعی را، بعد اجتماعی و سیاسی عدل می‌داند و وسطیت و اعتدال در درون جامعه را بنیان عدل جمعی معرفی می‌کند: «عدالت اجتماعی، تبلور عدل الهی در جامعه است. چیزی که پیامبران منادی آن بودند. صدر ریشه‌های عدالت را هم در فطرت و هم در تکوین جست و جو می‌کند (جمشیدی ۱۳۸۰: ۵۸۷).

سیاست‌های کلی نظام

سیاست کلان شامل اجتماع به عنوان یک کل، که معمولاً در تدوین سیاستگذاری عمومی نظیر مبارزه با تورم، عرضه کافی انرژی یا اصلاح نظام رفاهی دخیل هستند، می‌شود. مشارکت‌کنندگان در حوزه سیاست کلان شامل رئیس جمهور، وزارت خانه‌های اجرایی، رهبران کنگره، رسانه‌های جمعی، سخنگویان گروه‌ها و دیگران می‌شود. بنابراین، مشارکت‌کنندگان بسیار وسیع هستند. اغلب توجهات به سیاست کلان است، زیرا فرض بر این است که این سیاست‌ها روشن و سنجیده و کاملاً مبتنی بر کار کارشناسی است. زمانی که سیاستگذاری در حوزه سیاست

کلان انجام می‌شود، منافع عمومی وسیعی باید به طور کامل در نظر گرفته شود. تصمیمات سیاسی که در حوزه سیاست کلان اتخاذ می‌شود، از تصمیم‌سازی در سطح نظام فرعی کاملاً متفاوت است. سیاست‌های انرژی در این حوزه معمولاً در درون نظام‌های فرعی اتخاذ شده و به ویژه متأثر از افراد تولیدکننده ذینفع بوده است. حال آن که سیاست‌های انرژی و محیط زیست به حوزه سیاست کلان انتقال یافته و طیف مشارکت‌کنندگان گسترده شده است و تولیدکنندگان دیگر همانند گذشته در این حوزه غلبه ندارند (اندرسون، ۱۹۷۸). در ایران، سیاست‌های کلی نظام در سلسله مراتب سیاست‌های کلان کشور پس از قانون اساسی قرار دارد. این سیاستها بوسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و توسط رهبری ابلاغ می‌شوند. این سیاست‌ها به دو گونه است: سیاست‌های کلی موضوعی (موضوعات مختلف مانند علم و فناوری، آمایش سرزمین، جمعیت، خانواده و ...) و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه (رک پایگاه اطلاع رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام). سیاست‌های کلی نظام، حاوی چارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور در همه عرصه‌های حکومتی است که ازسوی مقام معظم رهبری به موجب بند اول از اصل یکصدودهم قانون اساسی تعیین می‌شود و همچون حلقه پیوندی بین اصول و اهداف نظام با وظایف دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی نقش ایفا نموده و هدف اصلی این سیاست‌ها ایجاد انضباط در کشور معرفی شده که مشخص‌کننده هندسه کلی نظام است (غلامی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۲). سیاست‌های کلی نظام، مجموعه‌ای از راهبردها و سیاست‌های هدف‌گرا هستند که برای تحقق ارزش‌ها و اهداف قانون اساسی در دوره زمانی مشخص تعیین می‌شود. بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین این سیاست‌ها پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نظارت بر حسن اجرای آن از وظایف و اختیارات رهبری است. با توجه به اینکه «جمهوریت» رکن و پایه اصلی نظام اسلامی در کشور ما است؛ سیاست‌های کلی هم صرفاً در پرتو حاکمیت قانون تجلی پیدا می‌کنند. این سیاست‌ها را می‌توان حلقه میانی «آرمان‌ها» و «اجرائیات» تعریف کرد که مسائل اجرایی را به آرمان‌ها نزدیک می‌کند. لذا رهبر انقلاب به منظور تعیین جهت‌گیری‌ها و خط مشی‌های کشور با هدف رسیدن به «آرمان‌های مطلوب» این سیاست‌ها را تدوین و تصویب می‌نماید. براین اساس، برپایی یک نظام حقوقی، مستلزم تعبیه ساختاری منسجم و هماهنگ است تا بتواند در خدمت تحقق اهداف عالیه قرار گیرد. برای این منظور ناگزیر به تعیین سلسله مراتب حاکم میان هنجارها هستیم تا نظم حقوقی مورد انتظار محقق شود. نتیجه دسته‌بندی میان هنجارها و تعیین نسبت میان آنها، پیروی قاعده مند هر هنجار از هنجاری «کلی‌تر»، «بنیادی‌تر» و «راهبردی‌تر» است تا جامعه همواره در مسیر تعالی و پیشرفت قرار گیرد. لذا اگر نهادهای حکومتی بتوانند قواعد موضوعه در قانون مصوب مجلس را مخدوش نمایند، دیگر هیچ تضمینی برای تحقق عدالت و مردم‌سالاری باقی نخواهد ماند و به طور خلاصه می‌توان گفت رده‌بندی قواعد از ارکان جمهوریت نظام است (ایسنا، ۱۳۹۹).

روش تحقیق

این پژوهش با تمرکز بر ارزش بنیادین عدالت، به دنبال نحوه بازنمایی آن در اسناد سیاستگذاری کلان ملی در جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور، مجموعه سیاست‌های کلی نظام به عنوان عالیترین سطح سیاست‌های کلان در جمهوری اسلامی ایران انتخاب گشتند. سیاست‌های کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و بوسیله مقام معظم رهبری مورد تصویب قرار گرفته و ابلاغ می‌شوند. از سال ۱۳۷۲ تاکنون، ۵۴ مجموعه سیاست کلی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده که ۴۵ مجموعه آن توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. از این مجموعه ۳۶ سیاست، موضوعی هستند. بنابراین بازنمایی عدالت در این سیاست‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای

در بند ۲ سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای که در ۱۱ مهر ۱۳۷۷ توسط رهبری ابلاغ شده، آمده است: «توسعه کمی و کیفی شبکه اطلاع‌رسانی ملی و تأمین سطوح و انواع مختلف خدمات و امکانات این شبکه برای کلیه متقاضیان به تناسب نیاز آنان و با رعایت اولویت‌ها و مصالح ملی». در این سیاست‌ها، تصویری از عدالت مبتنی بر «متناسب بودن توسعه شبکه اطلاع‌رسانی ملی متناسب بر نیاز متقاضیان» نهفته است. آنچنان که در سطوح اجرایی سیاست‌های این حوزه، وزیر ارتباطات و فناوری ارتباطات از «عدالت ارتباطی» سخن به میان آورده و آن را از مصادیق «عدالت اجتماعی» می‌داند (آذری جهرمی، ۱۳۹۹).

سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی

در قسمتی از سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی که در ۲۳ دی ۱۳۷۷ توسط رهبری ابلاغ شده، آمده است: «هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است ... شرایط فعالیت اقتصادی برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد». همانطور که مشخص است در این سیاست‌ها، نتیجه امنیت سرمایه‌گذاری، «عدالت اقتصادی» معرفی شده است. همچنین «عادلانه بودن» از زمره شرایط فعالیت اقتصادی ذکر شده است. با توجه به زمینه اسلامی فعالیت‌های اقتصادی در کشور، عدالت در این گزاره نیز باید مفهومی اسلامی داشته باشد. در حوزه تولید، معیار تنظیم عادلانه؛ دقت در توزیع قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید است که شامل بر توزیع منابع طبیعی، سرمایه، تکنولوژی، نیروی کار، مدیریت و به طور کلی توزیع عادلانه هر نوع امکان تولید می‌باشد. از طرفی حضور دولت جهت تولید کالاهای مشمول حوزه شکست بازار جهت تأمین نیازهای اساسی جامعه مسلمین خود مصداق بارزی از تحقق

عدالت می باشد. در عرصه مبادله نیز، موضوع «قیمت عادلانه» جایگاه ویژه ای خواهد یافت؛ چرا که قیمت عادلانه می تواند به عنوان معیار توازن و تحقق عدالت و ایجاد توازن میان نظام تولید و الگوی مصرف عمل نماید. از آنجایی که، برای تحقق عدالت، نمی توان قیمت را به طور کامل و افسارگسیخته در اختیار بازار قرار داد و مدعی شد که مکانیزم عرضه و تقاضا در قالب دست نامرئی می تواند ما را به قیمت های عادلانه نزدیک کند؛ چرا که اولاً، تاکنون چنین نشده است و ثانیاً، همواره این امکان وجود دارد که دست نامرئی توسط انحصارگران بازار مدیریت شود. بنابراین، از آنجا که «انحصار» ضد عدالت است، به ناچار دولت به عنوان رکن عدالت گستر ناچار خواهد بود با تمسک به شاخص «قیمت عادلانه» به تنظیم، هدایت و کنترل بازار بپردازد. البته، نقش اساسی که دولت در تنظیم و کنترل بازار انجام می دهد، نقش تحمیلی و دستوری نخواهد بود، بلکه به وسیله سیاست های پولی و مالی خود می کوشد تا وضعیت قیمت های موجود را به سوی قیمت های عادلانه سوق دهد. در عرصه مصرف نیز، اقتضای عدالت اقتصادی است، توزیع عادلانه کالاها و خدمات است. تنظیم شبکه های توزیع کالا به نحوی که بتواند به طور یکسان حداقل نیازهای مصرفی آحاد جامعه را تأمین نماید و در مراتب بالاتر، سطح معیشتی و رفاه عمومی را بطور یکسان همگانی نماید، نشانه ای از عدالت اقتصادی است. برای تحقق عدالت در این زمینه، الگوی مصرف بسیار تعیین کننده است و مباحثی از قبیل الگوی مسکن، انرژی، تغذیه و سایر نیازها و مجموعه سیاست های اقتصادی متأثر از آن خواهد بود (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۷).

سیاست های کلی حمل و نقل

سیاست های کلی حمل و نقل در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۷۹ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۳ این سیاست ها بر «توسعه و اصلاح شبکه حمل و نقل با توجه به آمایش سرزمین» تأکید شده است. جهت گیریهای نهفته در آمایش سرزمین، بیانگر رویکردی است که نوع نگرش نظام سیاسی کشور به عدالت و برابری را نشان می دهد. آمایش سرزمین، تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت های انسان است و وظیفه تنظیم و هماهنگ سازی راهبردها و جهت گیری های کلی بخش ها و مناطق کشور را به عهده داشته و تدوین سیاست های اجرایی و برنامه های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها صورت می گیرد (دوست محمدی، ۱۳۹۳). اما مشخصاً در این سیاست کلی، جوهره جهت گیری مبتنی بر عدالت در آمایش سرزمین مشخص نشده است. این امر می تواند سیاست های سطوح پایین تر را به دست پراکندگی سپرده و دچار واگرایی کند.

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در تاریخ اول خرداد ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بخشی از این سیاست ها آمده است: «سهم بهینه بخش های دولتی و

غیردولتی در فعالیتهای صدر اصل ۴۴، با توجه به حفظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می‌شود». همانطور که مشخص است، عدالت اجتماعی به عنوان ملاحظه اصلی تعیین سهم بخش‌های مختلف اقتصادی کشور تعیین شده است. در خصوص ملاحظات مربوط به عدالت اجتماعی در بخشهای دیگر بحث شده است.

سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران

سیاست‌های کلی فرهنگ ایثار و جهاد در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۵ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۸ این سیاستها آمده است: «شناخت نیازهای واقعی و ارائه خدمات مؤثر به ایثارگران و خانواده‌های آنان در ابعاد مختلف فرهنگی، علمی، آموزشی، اجتماعی، بهداشتی، درمانی، بیمه ای، معیشتی، اشتغال، مسکن، حقوقی، اداری، رفاهی و استخدامی با حفظ اصول عزتمندی، عدالت و روحیه خوداتکایی و شئون ایثارگری». در واقع «ارائه خدمات عادلانه» به ایثارگران، مفهوم مورد نظر در این سیاست کلی است.

سیاست‌های کلی نظام اداری

سیاست‌های کلی نظام اداری در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۲ این سیاستها آمده است: «عدالت محوری در جذب، تداوم خدمات و ارتقای منابع انسانی». در بند ۶ آمده است: «رعایت عدالت در نظام پرداخت و جبران خدمات» و در نهایت در بند ۱۳، «عدالت محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم و تنقیح قوانین و مقررات اداری» ذکر شده است. یکی از نظریات اصلی و مهم در حوزه مباحث مربوط به حقوق اداری، نظریه «خدمات عمومی» است. این نظریه، از جمله نظریاتی است که ریشه‌های اجتماعی در مقابل نظریات فردگرایانه دارد و دولت را موظف به تأمین برخی خدمات و حداقل رفاه می‌کند. با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول ۳، ۲۹، ۳۰، ۴۳ و... این نظریه به عنوان اصلی‌ترین مبنای وجود دستگاه اداری دولت محسوب می‌شود و تابع اصولی است که بر آن حاکم می‌باشند؛ اصول حاکم بر این نظریه عبارتند از: برابری، تقدم، انطباق، استمرار و رایگان بودن خدمات عمومی. با فحوص در منابع معتبر اسلامی، می‌توان به مفهوم خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن دست یافت. مفهوم خدمات عمومی که ریشه در حقوق اداری فرانسه دارد و مبتنی بر نظام لیبرال دموکرات است، با آنچه که در اسلام و نظام‌های ایدئولوژیک از جمله نظام حقوقی ایران مطرح می‌شود، تا حدودی تفاوت دارد. در نظام‌های غربی مبنای نظریه خدمات عمومی، خواست مردم است، ولی در نظام اسلامی هدف از ارائه خدمات عمومی، ایجاد زمینه‌های رشد و تعالی انسانهاست؛ چراکه هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال حقیقی، یعنی قرب الهی است. بنابراین، قوانین اجتماعی باید بستر و مقدمات این تکامل

را فراهم سازد. رد پای اصول حاکم بر خدمات عمومی را نیز می‌توان در منابع اسلامی مشاهده کرد و به اهمیت آن پی برد. مفهوم برخی از اصول حاکم بر خدمات عمومی در دیدگاه غربی با دیدگاه اسلامی متفاوت است. به عنوان مثال، در دیدگاه اسلامی به جای اصل تساوی، اصل عدالت مورد پذیرش قرار گرفته است (رستمی و رشیدی، ۱۳۹۶).

سیاست‌های کلی آمایش سرزمین

سیاست‌های کلی حمل و نقل در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۹۰ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۱ از بخش «د» این سیاست ها، «ایجاد امکانات عادلانه و فرصت‌های برابر و رفع تبعیض ناروا در مناطق کشور» ذکر شده است. به طور کلی در ایران، الگوی تک ساخت در توزیع فضایی قدرت و عملکرد، کاملاً متمرکز بوده و پس از دوره مشروطه و به عنوان الگویی تقلیدی و وارداتی بر پیکره سرزمینی ایران مستولی گشته و تاکنون تداوم یافته است، بیشترین نقش را در ایجاد و تثبیت الگوی توسعه محور- پیرامونی داشته است. در این راستا عواملی دیگر از جمله عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی همچون پدیده نفت و اقتصاد رانتی و تک محصولی ناشی از آن بر دوام و قوام سیستم تک ساخت و متمرکز حاکم کمک کرده است (راستی، ۱۳۹۸).

سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت

سیاست‌های کلی حمل و نقل در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۱ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۶ این سیاست‌ها آمده است: «انسجام و تعادل منطقه‌ای در کشور، از طریق: حمایت و ایجاد زیر ساخت‌ها و زیربنایها و برقراری مشوق‌های مناسب با رعایت اصول آمایش سرزمینی و امنیتی». مفهوم تعادل منطقه‌ای مورد اشاره در این سیاست ذیل مفهوم کلان تر «آمایش سرزمین» در سیاست‌های کلی دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های کلی محیط زیست در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۴ این سیاست ها، «استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی» ذکر شده است. درباره معیار پایه و ارزش نهایی حاکم بر عدالت اجتماعی دو پرسش اساسی مطرح است: نخست آن‌که کدام معیار از میان معیارهایی که تاکنون از طرف نظریه‌پردازان عدالت مطرح شده است، بر دیگران تقدم دارد و باید به صورت مبنای اصلی و ارزش نهایی حاکم بر اصول عدالت توزیعی مدنظر قرار گیرد. پرسش دوم آنکه آیا اساساً لزومی دارد ارزش، پایه و سنگ بنای اصلی عدالت اجتماعی معرفی شود؟ چه بسا این رویکرد بیش‌تر مقرون به صحت است که به جای تأکید بر محوریت ارزش نهایی، بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و معیارها

اصرار شود که هر یک در زمینه‌ای، شاخص و معیار پایه جهت توزیع حقوق و وظایف و منابع قرار گیرند؛ برای مثال در توزیع منابع قدرت و توزیع قدرت سیاسی و دستیابی عادلانه افراد به مناصب سیاسی، بر حقوق و آزادی‌های فردی، و در حوزه خدمات اجتماعی و دستیابی به منابع ثروت و درآمدهای اقتصادی، بر عنصر برابری فرصت‌ها و رفع نیازهای افراد تأکید بیش‌تری شود و در قلمرو قوانین حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی، اولویت با ارزش‌های اخلاقی به عنوان معیار پایه باشد (واعظی، ۱۳۸۳).

سیاست‌های کلی سلامت

سیاست‌های کلی سلامت در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۹۳ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. در بند ۸ این سیاست‌ها، بر «افزایش و بهبود کیفیت و ایمنی خدمات و مراقبت‌های جامع و یکپارچه سلامت با محوریت عدالت» تأکید شده است. مفهوم «عدالت در سلامت» همواره مورد توجه محققان این عرصه بوده است. به عنوان مثال یکی از مفاهیم عدالت در تأمین مالی نظام سلامت کشورهاست و به شکل حمایت از خانوارها در مقابل وقوع و تحمیل هزینه‌های کمرشکن خدمات سلامت ظاهر می‌شود. در دنیای امروز به دلیل پیشرفت فناوری‌های بازیابی سلامت و تأمین پایدار تندرستی، پرداخت هزینه‌های مرتبط با این خدمات، یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع بشری است. این هزینه‌ها به‌طور اتوماتیک با افزایش درآمد از بین نمی‌رود. نظام‌های ملی تأمین مالی سلامت باید پروژه‌هایی را طراحی کنند که نه فقط اجازه دهند مردم در موقع نیاز، دسترسی به خدمات داشته باشند؛ بلکه باید از طریق کاهش پرداخت‌های مستقیم، احتمال مواجه مردم را با هزینه‌های کمرشکن کاهش دهند. در بلند مدت، هدف باید توسعه مکانیزم‌های پیش پرداخت مانند بیمه سلامت اجتماعی، تأمین مالی براساس مالیات یا ترکیباتی از مکانیزم‌های پیش پرداخت، باشد. در جهت نیل به چنین مکانیزم‌هایی، زمینه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از اولویت‌های اصلی می‌باشد و تصمیم‌گیرندگان لازم است که مواردی نظیر افزایش پوشش بیمه افراد از طریق مکانیزم‌های پیش پرداخت، حمایت از افراد فقیر و ناتوان، طراحی بسته‌های خدماتی، مشخص کردن سطحی از سهم هزینه سلامت برای خانوارها که دچار پرداخت‌های کمرشکن نشوند را بررسی کنند (عامری، ۱۳۹۷). از طرف دیگر، تخصیص اعتبارات بیشتر و سهم ساختن هرچه بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها و تدوین و استقرار ساختار نظام بهداشت و درمان بر این مبنا، آشکارا به تعمیم عدالت بیشتر در ارائه خدمات بهداشتی درمانی در کشورهای مورد مطالعه منجر شده است (طیعی، ۱۳۸۶).

سیاست‌های کلی علم و فناوری

سیاست‌های کلی علم و فناوری در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۳ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در قسمتی از بند ۲ این سیاست‌ها آمده است: «بهینه سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی با تأکید بر توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور». منظور از برابری آموزشی این است که افرادی که استعداد یکسان دارند امکان مساوی برای رشد و موفقیت در نظام آموزشی داشته باشند و نیز افراد، حق دارند که نه به لحاظ تبار خانوادگی، بلکه بر اساس استعداد تحصیلی خود، از پایگاه اجتماعی مناسب با درک و قابلیت‌های درویشان برخوردار گردند. هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود، منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد (نجاری و حسنی، ۱۳۹۷). البته اخیراً در کشور مفهومی به عنوان «آمایش آموزش عالی» مطرح شده که نوع نگاه به عدالت در آن می‌تواند این سیاست‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

سیاست‌های کلی محیط زیست

سیاست‌های کلی محیط زیست در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۹۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۳ این سیاست‌ها، آمده است: «اصلاح شرایط زیستی به منظور برخورداری ساختن جامعه از محیط زیست سالم و رعایت عدالت و حقوق بین نسلی». همانطور که مشخص است، رعایت عدالت به عنوان یک جهت‌گیری مشخص در این سیاست‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. عدالت زیست محیطی به دنبال ارزیابی انصاف در توزیع خطرات و منافع زیست محیطی است. از دغدغه‌های اصلی اثرات منفی، فعالیت‌هایی است که به برخی شکل‌ها تولید خطر و آلودگی می‌کنند و بر روی سلامت مردمی که در مجاورت این فعالیت‌ها زندگی یا کار می‌کنند، اثراتی ناخوشایند دارند. در این رویکرد، این بحث مطرح است که آیا جمعیت‌های کم‌درآمد، یا اقلیت‌ها به طرز نامتناسب و منفی تحت تأثیر فعالیت‌های تولیدکننده آلودگی قرار می‌گیرند (پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۸). عدالت در میان نسل‌ها، از اصل گسترده «عدالت اجتماعی» سرچشمه می‌گیرد و «حفظ محیط زیست» که شرط دوام و بقای نسل‌های آینده است، و فرصت‌ها و بدآوردهای آنها را رقم می‌زند، از همین اصل عظیم «عدالت میان نسلی» منشعب می‌شود. از همین روی، قرارداد میان نسل‌ها تنها زمانی عادلانه است که محیط زیست مناسبی را در اختیار نسل بعدی بگذارد و تمام مصالح آنها را در نظر بگیرد (هوفه، ۱۳۸۳). اما آنچه که در سیاست‌های کلی محیط زیست باید با ایضاح بیشتری به آن پرداخته شود، نیت و رویکرد سیاستگذار نسبت به مفهوم عدالت می‌باشد.

سیاست‌های کلی خانواده

سیاست‌های کلی خانواده در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بخشی از بند ۷ این سیاست‌ها، آمده است: «تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده». تأکید بر مفهوم «عدالت» در این سیاست‌ها، می‌تواند پیامدهایی را در سیاست‌های سطح برنامه‌ریزی و اجرا داشته باشد. به عنوان مثال، رویکرد عدالت ترمیمی یکی از گزینه‌هاست. نظام عدالت کیفری سنتی به دلیل محدودیتها و اشکالاتی چون ناکارآمدی، عدم سودمندی، فقدان تأثیرگذاری، عدم حمایت شایسته و مناسب از بزه‌دیدگان و گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل بزه‌دیده و همچنین محرومیت افراد بزه‌کار از حقوق اجتماعی خود، موجب ظهور سیاستی به نام عدالت ترمیمی شده است (نانکلی، ۱۳۹۲: ۱). عدالت ترمیمی به‌عنوان پارادایم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، سعی دارد با درگیرکردن طرفین یک اختلاف در مسیر حل آن و ایجاد فضای گفت‌وگو و جبران خسارات، مسیر معقولی جهت برطرف کردن اختلافات ترسیم کند (لامع و مینا، ۱۳۹۹).

سیاست‌های کلی انتخابات

سیاست‌های کلی انتخابات در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۹۵ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند اول این سیاست‌ها آمده است: «تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به‌گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد». اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این خصوص می‌گوید: «هرچند بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری بر تعیین حوزه‌های انتخاباتی بر مبنای «جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» به گونه‌ای که «حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد» تأکید دارد، اما در این زمینه نیز با مسئله فقدان مقرر قانونی برای تعیین «حداقل تعداد جمعیت» برای داشتن یک نماینده و «میزان مجاز انحراف از آن» مواجه هستیم. «مقتضیات اجتناب‌ناپذیر» نیز نیازمند تعیین دقیق شاخص‌ها در قالب یک مقرر قانونی است. بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری نیز در ابتدا بر عامل «جمعیت» در امر حوزه‌بندی تأکید دارد، ضمن اینکه «عدالت انتخاباتی» مندرج در بند مذکور نیز نیازمند برابری هر چه بیشتر متناظر با جمعیت حوزه‌های انتخابیه است. جهت عمل به اصل نوزدهم و بند «۹» اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحقق «حداکثر عدالت انتخاباتی» مندرج در بند «۱» سیاست‌های کلی انتخابات، نخست باید استان‌های کشور نسبت به جمعیت خود سهم برابری از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی داشته باشند و در مرحله بعد حوزه‌های انتخابیه درون استان‌ها نسبت به جمعیت خود، سهم برابری از کرسی‌های استان متبوع داشته باشند. چنانچه تعداد نمایندگان استان‌ها متناسب با تعداد جمعیت آنها نباشد، از یک سو ارزش آرای

رأی‌دهندگان در استان‌های مختلف نابرابر می‌شود و از سوی دیگر استان‌ها به نسبت جمعیت خود، سهم برابری از کرسی‌های مجلس نخواهند داشت که نتایج مهم سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای در پی دارد. در واقع اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و افزایش تعداد نمایندگان باید به گونه‌ای انجام شود که در نتیجه آن همه شهروندان در سراسر کشور تا حد امکان به یک اندازه در انتخاب نمایندگان مجلس نقش داشته باشند و اصل «هر فرد یک رأی و ارزش همه رأی‌ها با هم برابر» تحقق یابد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).

سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری

سیاست‌های کلی قانون‌گذاری در تاریخ ۶ مهر ۱۳۹۸ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. در بند ۹ این سیاستها آمده است: «عدالت محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی‌الامکان پرهیز از استثنای قانونی». رعایت عدالت در قانونگذاری، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. به عنوان مثال تراحم عدالت فردی و اجتماعی. آنجا که حکم اولی براساس عدالت فردی وضع شده و عدالت فردی با عدالت اجتماعی در تراحم قرار می‌گیرد، در واقع، عنوانی ثانوی بر مسئله عارض می‌شود. در این حالت، اگر قانونگذار عدالت اجتماعی را اهم دانست و قانون را براساس آن وضع کرد، در واقع، حکم ثانوی را تنفیذ قانونی کرده است مانند «قانون نظام‌وظیفه» و «قانون مالیات» همچنین، اگر حکم اولی براساس عدالت اجتماعی وضع شده باشد و قانونگذار، عدالت فردی را اهم دانست، باز هم حکم ثانوی را تنفیذ قانونی کرده است؛ مانند مواردی که قانونگذار در جرم‌انگاری رفتاری خاص، برای رعایت عدالت فردی سکوت می‌کند تا به اجرای مجازات اسلامی متعهد نباشد. با وجود این، در مواردی که حکم اولی براساس عدالت اجتماعی است و قانونگذار نیز همان عدالت اجتماعی را اهم میداند (مانند قانون تعدد زوجات) و نیز در مواردی که حکم ثانوی براساس عدالت فردی است و قانونگذار نیز همان عدالت فردی را اهم می‌داند (مانند «قانون سقط درمانی»)، در واقع، قانون همان حکم اولی یا ثانوی را براساس همان عدالت موردنظر حکم شرعی تنفیذ کرده است (علی‌اکبریان، ۱۳۹۵). عدالت محوری در قوانین که در این سیاست کلی به آن اشاره شده است نیازمند شرح و تبیینی شفاف از سوی نهاد ابلاغ‌کننده این سیاست (رهبری) یا نهاد عالی سطح پایین‌تر یعنی مجلس شورای اسلامی است تا به مثابه یک شاخص بتواند همه قوانین را بر پایه عدالت مورد سنجش قرار دهد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ۱۵ مجموعه موضوعی از سیاست‌های کلی، مستقیماً مفهوم عدالت به کار رفته است. به نظر می‌رسد بتوان با جانمایی این مفهوم به عنوان یک

جهت‌گیری کلان در سایر موضوعات سیاست‌های کلی، اهداف سیاستگذاران سطوح عالی را در سیاست‌های سطوح میانی و خرد عملیاتی کرد. همچنین بررسی ۱۵ مجموعه سیاست‌های کلی موضوعی که در آن عدالت به طور مشخص به کار رفته نشان می‌دهد که در اکثر سیاست‌ها، تفسیر و منظور مشخصی از عدالت تعیین نشده و این امر می‌تواند جهت‌گیری‌های متفاوت و در برخی موارد متناقضی را در سیاست‌های سطوح پایین‌تر سبب شود. پیشنهاد می‌شود هر کدام از سیاست‌های کلی موضوعی، دارای پیوستی جداگانه باشند که در آن نیت و مقصود سیاستگذار از برخی مفاهیم کلیدی نظیر عدالت مشخص شود.

منابع

- ۱ - آذری جهرمی، محمد جواد. ۱۳۹۹. پایگاه پست بانک ایران.
- ۲ - اندرسون، جیمز. ۱۹۷۸. مقدمه‌ای بر سیاستگذاری عمومی. ترجمه کیومرث اشتریان. فرهنگ و اندیشه.
- ۳ - پایگاه اطلاع رسانی حوزه. ۱۳۹۷. تحلیل وظایف اقتصادی دولت، جهت تحقق عدالت اقتصادی در الگوی ایده‌آل اقتصاد اسلامی.
- ۴ - پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات. ۱۳۹۸. عدالت زیست محیطی. سایت داخلی.
- ۵ - پهلوان، چنگیز. ۱۳۸۰. فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن پدیدآورنده. تهران: نشر قطره.
- ۶ - جمشیدی، محمدحسین. ۱۳۸۰. نظریه عدالت. پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۷ - جمشیدی، محمدحسین. ۱۳۹۵. مردم و افکار عمومی در اندیشه امام خمینی. اندیشه‌های ارتباطی حضرت امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۱۱۰-۱۵۰.
- ۸ - حقیقت‌خواه، محمد. ۱۳۸۱. راهکارهای تحقق مردم سالاری دینی در نظام علوی. اندیشه حوزه. شماره ۳۲ و ۳۳.
- ۹ - خامنه‌ای، علی. ۱۳۷۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. بیست و سوم اردیبهشت‌ماه.
- ۱۰ - خامنه‌ای، علی. ۱۳۷۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام. هفدهم دی ماه.
- ۱۱ - خامنه‌ای، علی. ۱۳۶۸. بیانات در دیدار عمومی. نهم بهمن.
- ۱۲ - خمینی، روح‌الله. ۱۳۶۸. صحیفه امام. جلد ۱۴. مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۱۳ - خمینی، روح‌الله. ۱۳۶۸. صحیفه امام. جلد ۴. مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۱۴ - خمینی، روح‌الله. ۱۳۸۵. صحیفه امام، ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- ۱۵ - دبیرنیا، علیرضا و اسدآبادی، طیبه. ۱۳۹۵. حاکمیت مردم در اندیشه سیاسی غرب و اسلام؛ «نظام دموکراتیک» و «نظام مبتنی بر شریعت مقدس در قانون اساسی ایران». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. دوره ۳ شماره ۳.
- ۱۶ - راستی، عمران. ۱۳۹۸. عدالت سرزمینی، تمرکززدایی و آمایش سرزمین؛ درمانی برای سندروم توسعه محور- پیرامونی (با تاکید بر استان‌های مرزی شرق ایران). فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی. سال هشتم، شماره ۴.
- ۱۷ - رستمی، ولی و رشیدی، رضا. ۱۳۹۶. نقد و تحلیل نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۲۲، شماره ۴.
- ۱۸ - شبکه تحلیلی نخبگان. ۱۳۸۰. مؤلفه‌های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی.
- ۱۹ - طیبی، سید جمال‌الدین. ۱۳۸۶. ساختار مدیریت در نظام سلامت ایران از نگاه عدالت. تأمین اجتماعی. شماره ۲۸.
- ۲۰ - عامری، حسین. ۱۳۹۷. عدالت در تأمین مالی خدمات سلامت با تأکید بر شاخص هزینه‌های کمرشکن خدمات سلامت، فصلنامه راهبردهای مدیریت در نظام سلامت، دوره ۳، شماره ۳.
- ۲۱ - عربی‌فر، مهدیه. ۱۳۹۹. ارزشهای انقلاب اسلامی. اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه.

- ۲۲ - علی اکبریان. حسنعلی. ۱۳۹۵. نقش عدالت در قانون‌گذاری در حکومت اسلامی. دوفصلنامه کاوشی نو در فقه. سال ۲۳. شماره ۱.
- ۲۳ - غلامی، علی و بهادری جهرمی، علی. ۱۳۹۲. مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام. دانش حقوق عمومی. دوره ۲ شماره ۳.
- ۲۴ - فخر زارع، حسین. ۱۳۸۸. عدالت؛ جوهره انقلاب اسلامی. زمانه. شماره ۸۴ و ۸۵.
- ۲۵ - لامع، زهرا و مینا، زهرا. ۱۳۹۲. مبانی حاکم بر حل و فصل دعاوی خانوادگی با رویکرد عدالت ترمیمی. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده. دوره ۲۵، شماره ۷۳.
- ۲۶ - محسنیان‌راد، مهدی. ۱۳۷۵. انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲۷ - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۴۰۰. اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۳۰/۱/۱۳۶۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن».
- ۲۸ - مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲. پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات صدرا، ج ۹.
- ۲۹ - مطهری، مرتضی. ۱۴۰۳. ه. ق. بانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت.
- ۳۰ - نانک لی، مریم. ۱۳۹۲. راهکارهای فراقضایی در حل و فصل دعاوی خانوادگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- ۳۱ - نجاری، مهدی و حسینی، محمد. ۱۳۹۷. تحلیل نابرابری فرصت‌های دسترسی به آموزش عالی (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان آذربایجان غربی). مطالعات برنامه ریزی آموزشی، دوره ۷، شماره ۱۴.
- ۳۲ - هوفه، آتفرید. ۱۳۸۳. درباره عدالت. ترجمه امیر طبری. نشر اختران.
- ۳۳ - واعظی، احمد. ۱۳۸۳. عدالت اجتماعی و مسائل آن. قیسات، شماره ۳۳.